

توصیف گروه اسمی گویش بلوچی

پاکزاد یوسفیان (دانشگاه سیستان و بلوچستان)

مقدمه

بلوچی^۱ از زبانهای ایرانی نو شمال غربی است و شباهتهای بسیاری با زبان پارتی، از زبانهای ایرانی میانه، و نیز با زبانهایی همچون کردی و تالشی دارد. اگرچه الفنباین^۲ (۱۹۸۹) بلوچی را به شش گویش رخشانی (شامل کلانی، پنجگوری، سرحدی)، سراوانی، لاشاری، کچی، ساحلی و تپه شرقی؛ و جهانی^۳ (۱۹۸۹) آن را به بلوچی شرقی و غربی (گویش مکرانی و رخشانی) طبقه‌بندی کرده‌اند، به طور کلی می‌توان گویش بلوچی متداول در ایران را به دو لهجه مکرانی و سرحدی تقسیم کرد.

در میان بلوچی‌زبانان ایران نیز، بر اساس گوناگونیهای اقلیمی و زبانی، این طبقه‌بندی رایج است. شهرهای زاهدان و خاش با توابع آنها سرحد نام دارند و شهرهای سراوان، ایرانشهر، نیکشهر و چابهار نیز با توابع و محدوده‌هایشان مکران نامیده می‌شوند. تفاوت‌های دو گونه مکرانی و سرحدی بیشتر در زمره تفاوت‌های آوایی و واژگانی است. گویش بلوچی ایران بسیار متأثر از زبان فارسی است و در دستگاه‌های آوایی، واژگانی، نحوی و صرفی می‌توان نفوذ زبان فارسی را ملاحظه کرد. در این مقاله هر دو گونه با هم

۱) نگارنده بلوچی ایران را در مقابل بلوچی متداول در پاکستان و افغانستان به کار برده است که بسیار متأثر از زبانهای اردو، هندی و پشتو هستند. تفهیم و تفاهم متقابل بین این دو گویش به سادگی انجام نمی‌گیرد.

2) Elfenbein

3) Jahani

مید نظر هستند، اما در موقع لزوم به تفاوت‌های بین دو گونه هم اشاره خواهد شد.

۱ گروه اسمی

گروه اسمی این گونه تعریف می‌شود: کلمه یا گروهی از کلمات که از یک اسم به عنوان هسته و یک یا چند وابسته ساخته شده است: کتاب، کتابها، کتاب من، این کتاب، کتاب خوب، کتاب خوب من. گروه اسمی می‌تواند در نقش نهاد، مفعول، مسند و گاه گروه قیدی به کار رود: احمد آمد، برادر من آمد، پدر منصور را دیدم، او برادر احمد است، سال گذشته به مسافرت رفتم (صادقی و ارژنگ ۱۳۶۵: ۲۳).

باطنی (۱۳۴۸: ۱۳۷) نیز گروه اسمی را یک واحد نحوی می‌داند که از یک کلمه یا بیشتر ساخته شده است و در ساختمان واحد بالاتر، یعنی بند، جایگاه مسند الیه، متمم و گاهی نیز جایگاه ادات را اشغال می‌کند.

گروه اسمی همواره از یک اسم به عنوان عنصر اصلی یا «هسته» و گاه از یک یا چند توصیف‌کننده به عنوان «وابسته» شکل می‌گیرد. ممکن است تنها عضو گروه اسمی هسته آن باشد و گاه نیز وابسته‌هایی در یک یا دو طرف هسته قرار گیرند که باعث گسترش ساختار گروه اسمی شوند. وابسته‌هایی که پیش از هسته به کار روند «وابسته‌های پیشین» و وابسته‌هایی که بعد از هسته قرار گیرند «وابسته‌های پسین» خوانده می‌شوند.

آرایش یا همنشینی وابسته‌ها به دور هسته تابع روابط نحوی خاصی است. این روابط خاص محدودیت‌هایی را بر چگونگی و ترتیب همنشینی وابسته‌ها اعمال می‌کند. به همین دلیل اگر ترتیب عناصر سازنده گروه اسمی تغییر یابد و روابط همنشینی آنها متزلزل گردد، عبارت حاصل یا معنی متفاوتی پیدا می‌کند یا غیر دستوری می‌شود. مثالهای زیر از زبان فارسی را ملاحظه کنید که در آنها فقط جمله (۱- الف) دستوری است.

۱- الف) خودکار مشکی احمد

*ب) خودکار احمد مشکی

*ج) مشکی احمد خودکار

گاهی نیز تغییر وابسته‌ها باعث ایجاد تفاوت معنایی می‌شود، مانند عبارت (۲-ب)

در زیر:

۲- الف) موهای بلند دختر

ب) موهای دختر بلند

محدودیت‌هایی از این دست که بر ترتیب قرار گرفتن وابسته‌های گروه اسمی حاکم است به وضوح نشان می‌دهد که گروه اسمی زنجیره‌ای از کلمات گسسته و بی‌ارتباط با یکدیگر نیست. بنابراین، قواعد خاص دستوری حاکم بر ساخت گروه اسمی شایان بررسی و تحقیق است.

همچنین، ترتیب کلمه در گروه اسمی یکی از پارامترهای اصلی در تحلیل‌های رده‌شناختی است. با توصیف گروه اسمی می‌توان جایگاه زبان یا گویش مورد مطالعه را بر اساس موازین رده‌شناسی تعیین کرد.

۲ گروه اسمی در گویش بلوچی

۱.۲ وابسته‌های پیشین

همان‌طور که پیش از این ذکر شد، گروه اسمی می‌تواند در کنار هسته، عناصر دیگری را نیز شامل شود که بسته به جایگاه‌هایشان نسبت به هسته، «وابسته پیشین» یا «پسین» خوانده می‌شوند. در این بخش به توصیف وابسته‌های پیشین در گروه اسمی گویش بلوچی می‌پردازیم.

در گروه اسمی گویش بلوچی، دسته‌های مشخصی از وابسته‌های پیشین بسته به این‌که به چه مقوله نحوی متعلق باشند و چه نقشی را نسبت به هسته بازی کنند با نشانه‌های خاصی به هسته متصل می‌شوند. وابسته پیشین اگر از نوع صفت باشد به انتهای آن پسوند *-ēn*، *-ēhn* یا *-in* اضافه می‌شود.^۴ وابسته پیشین اگر اسم باشد، چنانچه ترکیب اضافی حاصل از نوع ملکی یا توضیحی باشد، با پسوند *-i* یا *-ā* و گاه بی‌هیچ نشانه به هسته وصل می‌شود، اما در ترکیبات اضافی دیگر، اسم به عنوان وابسته پیشین (یعنی مضاف الیه) با کسره اضافه *-e* در سرحدی و با *-ayh* در مکرانی به هسته متصل می‌شود. گروه حرف اضافه نیز چنانچه وابسته پیشین قرار گیرد با این دو نشانه به هسته وصل می‌شود.

سایر وابسته‌های پیشین اسم بدون نشانه‌های فوق‌الذکر به هسته متصل می‌شوند.

۴) بارکر و منگل (Barker and Mengal, 1969: 34) پسوند *-ē* یا *-en* را برای رخشانی به کار برده‌اند.

tuh-in	ges	سرحدی	۳- الف)
بزرگ	خانه		خانه بزرگ
mazan-ēn(ēhn)	lōg/dawār	مکرانی	ب)
بزرگ	خانه		
man-i	brās	سرحدی و مکرانی	۴- الف)
من	برادر		برادر من
man(-ā)	brāt	مکرانی	ب)
komad-e	kili	سرحدی	۵- الف)
کمد	کلید		کلید کمد
pas-ayh	čam	مکرانی	ب)
بز	چشم		چشم بز
ser mez-e	ketābān	سرحدی	۶)
میز سر	کتابها		کتابهای روی میز

برخلاف فارسی معیار، اسم هسته در این گویش اغلب با کسره اضافه به وابسته اسمی یا صفتی بعد از خود متصل نمی‌شود.^۵ این نوع وابسته‌ها معمولاً با وقفه‌ای کوتاه بعد از هسته می‌آیند.

گروه اسمی گویش بلوچی می‌تواند حداکثر شامل پنج وابسته پیشین گردد که نسبت به هسته ترتیب خاصی را رعایت می‌کنند. این ترتیب به گونه‌ای است که جابه‌جایی آنها باعث ایجاد زنجیره بدساخت می‌گردد. این وابسته‌ها به ترتیب عبارت‌اند از:

الف) وابسته پیشین یک: اسم به عنوان شاخص

ب) وابسته پیشین دو: صفت

ج) وابسته پیشین سه: عدد ترتیبی، صفت عالی، صفت تعجبی، عدد و ممیز و

کمیت‌نمای čont «چند»

د) وابسته پیشین چهار: صفت اشاره، صفت پرسشی و کمیت‌نما

ه) وابسته پیشین پنج: اسم به عنوان مضاف الیه و گروه حرف اضافه‌ای

۵) در مناطق سراوان و ایرانشهر اسم هسته، همچون فارسی، با کسره اضافه به وابسته اسمی یا صفتی بعد از خود متصل می‌شود.

۱.۱.۲ وابسته پیشین یک

اولین وابسته پیشین در گروه اسمی گویش بلوچی، اسمی است که به عنوان شاخص به کار می‌رود. شاخصها وابسته‌هایی هستند که بلافاصله قبل از اسم قرار می‌گیرند و در اصل اسم یا صفتی هستند که برای مشخص کردن یا محدود کردن اسم یا برای احترام به کار می‌روند (صادقی و ارژنگ ۱۳۶۵: ۳۰). لقبها و عنوانها را نیز می‌توان جزو این دسته از وابسته‌ها قرار داد.

کاربرد اسم به عنوان وابسته پیشین در گروه اسمی زبان فارسی تنها محدود به این مورد خاص است. اما، همان‌گونه که پیش از این بیان شد، در گویش بلوچی اسم نه تنها به عنوان شاخص در جایگاه وابسته پیشین یک، بلکه به عنوان مضاف الیه در جایگاه وابسته پیشین پنج نیز ظاهر می‌گردد. مثالهای زیر نمونه‌هایی از کاربرد اسم به عنوان شاخص را در این گویش نشان می‌دهد.

wāja ahmad	آقا احمد	molayi mohamad	مولوی محمد
nāku karim	عمو/ دایی کریم	hāji abbās	حاجی عباس
keyhodā kahur	کدخدا کهور	sarang mājid	سرهنگ مجید

مثالهای زیر مؤید این مسئله است که اسم، به عنوان شاخص، نزدیک‌ترین وابسته پیشین به هسته است و تغییر ترتیب جایگیری آن نسبت به وابسته‌های پیشین دیگر باعث بدساختی گروه اسمی می‌شود.

zand-ēn	nāku	karim	۸- الف)
چاق	عمو	کریم	عمو کریم چاق
*nāku	zand-ēn	karim	ب)
ē(ši)	hāji	abbās	۹- الف)
این	حاجی	عباس	این حاجی عباس
*hāji	ē(ši)	abbās	ب)

۲.۱.۲ وابسته پیشین دو

صفات در این گویش به عنوان وابسته پیشین دو به کار می‌روند. همان‌طور که قبلاً بیان شد، صفات در مقام وابسته اسم همیشه همراه با یکی از پسوندهای -ēn، -ēhn یا -in به کار برده می‌شوند:

šarr-ēn	janek	دختر زیبا	(۱۰- الف)
tuh-in	ges	خانه بزرگ	(ب)
mazan-ēhn	ku	کوه بزرگ	(ج)

در این گویش می‌توان دو صفت را با حرف ربط **o** «و» همپایه کرد. نکته درخور توجه این است که هرگاه دو صفت به صورت همپایه به کار روند، کاربرد پسوندهای اتصالی بالا برای وابسته دورتر الزامی نیست:

dorr	o	dadd-in	zahg	(۱۱- الف)
قشنگ	و	زرنگ	بچه	بچه قشنگ و زرنگ
espēt	o	prāh-ēn	čōlak-ān	(ب)
سفید	و	گشاد	لباسها	لباسهای سفید و گشاد

همان گونه که در مثال (۸) ملاحظه شد جابه‌جایی صفت با اسم به عنوان شاخص، سبب تولید زنجیره بدساخت شد. این امر نشان می‌دهد که این دو وابسته به سطوح مختلف نحوی تعلق دارند. جابه‌جایی صفت با دیگر وابسته‌های پیشین نیز باعث بروز زنجیره‌های بدساخت می‌شود:

ser	mez-e	ā	do	nuk-in	ketāb	(۱۲- الف)
روی	میز	آن	دو	نو	کتاب	آن دو کتاب نو روی میز
*nuk-in	ser	mez-e	ā	do	ketāb	(ب)
*ser	mez-e	nuk-in	ā	do	ketāb	(ج)

۳.۱.۲ وابسته پیشین سه

وابسته پیشین سه در این گویش می‌تواند عدد ترتیبی، صفت عالی، صفت تعجبی یا عدد و ممیز باشد. کمیت‌نمای **čont** «چند» نیز به این دسته از عناصر تعلق دارد. در این گویش از نظر صوری تمایزی بین صفت عالی و صفت تفضیلی دیده نمی‌شود. این دو نوع صفت با افزودن پسوند **-ter** ساخته می‌شوند. اما تمایز میان این دو نوع صفت در گویش بلوچی از طریق الگوی تکیه متفاوتی که می‌پذیرند حاصل می‌شود. در صفات عالی تکیه روی هجای آخر است، اما در صفات تفضیلی هجای ماقبل آخر تکیه بر است:

mazan-ter-ēhn	ku	(۱۳- الف)
بزرگ‌تر	کوه	کوه بزرگ‌تر

mazan-te'r-ëhn	ku	(ب)
بزرگ‌ترین	کوه	بزرگ‌ترین کوه
borz-'ter-in	bačak	(۱۳- الف)
بلندتر	بچه	بچه بلندتر
borz-te'r-in	bačak	(ب)
بلندترین	بچه	بلندترین بچه

به نظر می‌رسد که بتوان صفات عالی و صفات ساده را که به یک مقوله تعلق دارند در یک دسته از وابسته‌های پیشین قرار داد، اما جمله (۱۵-ج) این مورد را نقض می‌کند و نشان می‌دهد که برهم‌زدن جایگاه صفات عالی و ساده سبب زنجیره بدساخت می‌شود و، در حقیقت، آنها را باید جزو دو دسته متفاوت از وابسته‌های پیشین در نظر گرفت. این امر مؤید این نظر است که این دو به دو سطح ساختاری متفاوت تعلق دارند.

نکته شایان ذکر دیگر این که در این گویش گاه می‌توان صفات عالی را با صفات ساده همپایه کرد. جمله (۱۵-ب) این مورد را نشان می‌دهد. البته در این صورت، صفت عالی با صفت ساده، گروهی صفتی را می‌سازد که در جایگاه وابسته پیشین دو قرار می‌گیرد:

tuh-te'r-in	sabz-in	galās	(۱۵- الف)	
بزرگ‌ترین	سبز	کاسه	بزرگ‌ترین کاسه سبز	
tuh-te'r-in	o	sabz-in	galās	(ب)
*sabz-in	tuh-te'r-in	galās	(ج)	

یکی دیگر از توصیف‌کنندگان اسم، وابسته عدد و ممیز است. عدد اصلی مبین تعداد هسته است که معدود خوانده می‌شود. اغلب در شمارش بعد از عدد و قبل از هسته، کلمه‌ای می‌آید که ممیز نامیده می‌شود. در واقع، ممیز واحد شمارش هسته است. معمولاً هسته نوع ممیز مناسب خود را در ترکیب عدد و ممیز تعیین می‌کند. در حقیقت، عدد وابسته ممیز است و عدد و ممیز، باهم، وابسته هسته‌اند. ممیز هیچ‌گاه بدون عدد اصلی برای توصیف اسم به کار نمی‌رود، اما می‌توان اعداد اصلی را بدون ممیز به کار برد:

do	mitr	poč	(۱۶- الف)
دو	متر	پارچه	دو متر پارچه
	*mitr	poč	(ب)

از آنجا که وابسته عدد و ممیز با صفات عالی در توزیع تکمیلی هستند، هردو وابسته به یک سطح واحد ساختاری تعلق دارند:

*šaš	dānag	mazan-ter-ēn	lōg	(۱۷- الف)
شش	دانه (تا)	بزرگ ترین	خانه	
*panč	dānag	borz-ter-in	drahč	(ب)
پنج	دانه (تا)	بلندترین	درخت	

جابه جایی وابسته عدد و ممیز با وابسته های پیشین یک و دو نیز باعث تولید زنجیره بدساخت می شود:

panč	dānag	tuh-in	ges	(۱۸- الف)
پنج	تا	بزرگ	خانه	پنج تا خانه بزرگ
*tuh-in	panč	dānag	ges	(ب)
se	dānag	hānom	doktor	(۱۹- الف)
سه	تا	خانم	دکتر	سه تا خانم دکتر
*hānom	se	dānag	doktor	(ب)

مقوله دیگری که از نظر روساختی در جایگاه وابسته پیشین سه به کار می رود وابسته عدد ترتیبی است. عدد ترتیبی در این گوش با افزودن پسوند -omi به عدد اصلی ساخته می شود:

panč	+	-omi	→	pančomi	(۲۰- الف)
šaš	+	-omi	→	šašomi	(ب)

عدد ترتیبی را نمی توان همراه با عدد و ممیز و صفت عالی به کار برد. در حقیقت، این وابسته ها با هم در توزیع تکمیلی هستند:

*panč-omi	do	dānag	asp	(۲۱- الف)
پنجمین	دو	تا	اسب	
*panč-omi	espēt-ter-ēn	asp		(ب)
پنجمین	سفیدترین	اسب		

جابه جایی این وابسته با وابسته های پیشین یک و دو زنجیره های بدساخت ایجاد می کند که دلیل بر وابستگی آنها به سطوح مختلف ساختاری است.

čār-omi	hānom	doktor	چهارمین خانم دکتر	(۲۲- الف)
*hānom	čār-omi	doktor		(ب)

صفت تعجبی نیز از جمله عناصری است که به عنوان وابسته پیشین سه به کار می‌رود:

četawr-ēn	bāg-ē!	(۲۳-الف)	
چه	باغی	چه باغی!	
če	šarr-ēn	janek-ē	(ب)
چه	زیبا	دختری	چه دختر زیبایی!

صفت تعجبی نیز مانند عدد اصلی و عدد ترتیبی در توزیع تکمیلی با صفت عالی است:

*četawr-ēn	mazan-ter-ēn	bāg-ē	(۲۴-الف)
*mazan-ter-ēn	četawr-ēn	bāg-ē	(ب)

کمیت‌نمای čont «چند» نیز یکی از عناصری است که در جایگاه وابسته پیشین سه به کار می‌رود. این عنصر مانند عدد اصلی عمل می‌کند و حتی می‌توان آن را با ممیزها نیز به کار برد:

čont	dānag	pas-on	ge(pt)	(۲۵-الف)
چند	تا	آم-گوسفند	خرید	چند تا گوسفند خریدم
čont	napar	mardom	yahtent	(ب)
چند	نفر	آدم	آمدند	چند نفر آدم آمدند

این عنصر نیز با صفت عالی در توزیع تکمیلی است و جابه‌جایی آن با وابسته‌های پیشین یک و دو زنجیره بدساخت تولید می‌کند:

čont	dānag	mazan-ēhn	pas-on	ge	(۲۶-الف)
چند	تا	بزرگ	آم-گوسفند	خرید	چند تا گوسفند بزرگ خریدم
*mazan-ēhn	čont	dānag	pas-on	ge	(ب)
čont	dānag	hānom	doktor-on	di(st)	(۲۷-الف)
چند	تا	خانم	آم-دکتر	دید	چند تا خانم دکتر دیدم
*hānom	čont	dānag	doktor-on	di(st)	(ب)
*čont	dānag	zand-te'r-ēn	čokk		(۲۸)
چند	تا	چاق‌ترین	بچه		

۴.۱.۲ وابسته پیشین چهار

وابسته پیشین چهار در گروه اسمی گویش بلوچی شامل صفت اشاره، صفت پرسشی و

کمیت‌نماست. صفات اشاره در این گویش عبارت‌اند از:

مکرانی	سرحدی		مکرانی	سرحدی	(۲۹)
ē	ye	این	hamēši	hami	همین
ši	yēhš		hamēh	hamēhš	
yēh			hameš		
ā	ā	آن	hamāyē	hamā	همان
ye	se	pas			(۳۰- الف)
این	سه	گوسفند			این سه گوسفند
ā	do	kas-ēn	čokk-ān		(ب)
آن	دو	کوچک	ها	بچه	آن دو بچه کوچک
hamēši	zard-ēn	jāmag			(ج)
همین	زرد	لباس			همین لباس زرد
hamā	kas-ter-ēn	kawš-ān			(د)
همان	کوچک‌ترین	ها	کفش		همان کوچک‌ترین کفشها

صفات پرسشی یکی دیگر از اعضای وابسته پیشین چهار هستند:

čont	ketāb-et	zu?		(۳۱- الف)
چند	آت-کتاب	خرید		چند کتاب خریدی؟
kojā	ges-ā	gept-e(t)?		(ب)
کدام	را خانه	خریدی		کدام خانه را خریدی؟
če	čāšti-a	war-i?		(ج)
چه	غذایی	می‌خوری		چه غذایی می‌خوری؟

مثالهای زیر نیز کاربرد کمیت‌نماها را به عنوان وابسته اسم نشان می‌دهند:

phak	lōg-ān			(۳۲- الف)
همه	ها-خانه			همه خانه‌ها
bāzi	nā-sarpad-in	mordom		(ب)
بعضی	نادان	انسانها		بعضی انسانهای نادان
heč	brāt-i			(ج)
هیچ	برادری			هیچ برادری

تغییر جایگاه وابسته پیشین چهار با دیگر وابسته‌های پیشین باعث تولید زنجیره‌های بدساخت می‌شود:

ye	se	zānuger-in	hānom	doktor	(۳۳- الف)
این	سه	باتجربه	خانم	دکتر	این سه خانم دکتر باتجربه
*se	zānuger-in	ye	hānom	doktor	(ب)
*se	ye	zānuger-in	hānom	doktor	(ج)
	*se	zānuger-in	hānom	doktor	(د)

۵.۱.۲ وابسته پیشین پنج

وابسته پیشین پنج شامل اسم و گروه حرف اضافه‌ای است. بنابراین، علاوه بر شاخصها در جایگاه وابسته پیشین، در وابسته پیشین پنجم هم یک اسم می‌تواند وابسته هسته قرار گیرد. برخلاف فارسی معیار که در آن اسم، به عنوان مضاف الیه، وابسته‌ای از نوع پسین است، در گویش بلوچی مضاف الیه قبل از مضاف (هسته) می‌آید:

min-i (man-i)	mās	مادر من	(۳۴- الف)
من	مادر		
ahmad-i	lāp	شکم احمد	(ب)
احمد	شکم		
bag-e	dar	در باغ	(ج)
باغ	در		

با جابه‌جا کردن این نوع وابسته با سایر وابسته‌های اسم، یا زنجیره‌های بدساخت حاصل می‌شود یا معنی ساخت تغییر می‌کند:

hasan-i	ā	do	nil-ēh(n)	jāmag	(۳۵- الف)
حسن	آن	دو	آبی	پیراهن	آن دو پیراهن آبی حسن
*ā	do	hasan-i	nil-ēh(n)	jāmag	(ب)
*ā	do	nil-ēh(n)	hasan-i	jāmag	(ج)
hasan-i	kajān	jāmag?			(۳۶- الف)
حسن	کدام	پیراهن			کدام پیراهن حسن؟
kajān	hasan-i	jāmag			(ب)
کدام	حسن	پیراهن			پیراهن کدام حسن؟

در مثال (۳۶) هر دو زنجیره (الف) و (ب) خوش‌ساخت‌اند، اما در زنجیره (ب) صفت پرسشی kajān توصیف‌کننده «حسن» است، نه «پیراهن». بنابراین، جابه‌جایی دو وابسته

hasan و kajān در زنجیره (الف) معنی را تغییر داده است.

در گویش بلوچی گروه حرف اضافه‌ای نیز می‌تواند به عنوان وابسته پیشین اسم به کار رود. برخلاف وابسته‌های اسمی و صفتی که می‌توان آنها را به عنوان وابسته پسین نیز به کار برد، گروه‌های حرف اضافه‌ای را که قبل از اسم می‌آیند نمی‌توان بعد از اسم به کار برد. از سوی دیگر، برخی گروه‌های حرف اضافه‌ای نیز وجود دارند که تنها به عنوان وابسته‌های پسین به کار می‌روند.

مثالهای زیر کاربرد گروه حرف اضافه‌ای را به عنوان وابسته پیشین پنج نشان می‌دهد:

ser drahč-e morg-ān (الف-۳۸)

سر درخت پرنده‌های روی درخت پرنده‌ها

tch ges-e parš-ān (ب)

توی فرشهای توی خانه فرشها

čir parš-e ketāb-ān (ج)

زیر کتابهای زیر فرش کتابها

گروه حرف اضافه‌ای با اسم یا گروه اسمی به عنوان مضاف الیه در توزیع تکمیلی است:

*hasan-i ser mez-e ketāb-ān (الف-۳۹)

حسن سر میز کتابها

*ser mez-e hasan-i ketāb-ān (ب)

جابه‌جایی گروه حرف اضافه‌ای با دیگر وابسته‌های پیشین اسم باعث ایجاد زنجیره‌های بدساخت می‌شود:

ser drahč-e ā do siyāh-in gwarāg (الف-۴۰)

سر درخت آن دو سیاه کلاغ سیاه روی درخت کلاغ

*ā do ser drahč-e siyāh-in gwarāg (ب)

*ā do siyāh-in ser drahč-e gwarāg (ج)

(۶) نکته قابل توجه دیگر این که گروه‌های حرف اضافه‌ای که وابسته پیشین اسم قرار می‌گیرند، چنانچه در عبارتی به عنوان وابسته اسم به کار نروند، می‌توان آنها را به صورت هسته پایان نیز به کار برد:

čir parš-ā jāru kan (الف-۳۷)

زیر فرش را جاروکن کن جارو را جاروکن

parše čir-ā jāru kan (ب)

فرش را زیر جارو کن

۲.۲ وابسته‌های پسین

گروه اسمی گویش بلوچی می‌تواند حداکثر چهار وابسته پسین داشته باشد:

(الف) نشانه جمع، به عنوان وابسته پسین یک؛

(ب) اسم، ضمیر شخصی متصل و حرف تعریف نامعین به عنوان عناصر وابسته

پسین دو؛

(ج) صفت و بند موصولی محدودکننده^۷ به عنوان عناصر وابسته پسین سه؛

(د) بدل (اسم یا گروه اسمی، صفت، گروه حرف اضافه‌ای)، بند موصولی غیر

محدودکننده^۸ و گروه حرف اضافه‌ای به عنوان عناصر وابسته پسین چهار.

شایان توجه است که اسم و صفت هم در مقام وابسته پیشین به کار می‌آیند و هم در

مقام وابسته پسین؛ اما گویش بلوچی به استفاده محدودتر از وابسته‌های پسین متمایل

است و زنجیره‌هایی که در آنها از اسم و صفت به عنوان وابسته پسین استفاده شده است

بسامد بسیار پایین دارند.

۱.۲.۳ وابسته پسین یک

وابسته پسین یک در این گویش پایانه جمع -ān است که برای تمام موجودات جان‌دار و

بی‌جان به کار می‌رود. جالب توجه این که گاه در این گویش بین عدد به عنوان وابسته

پیشین و هسته گروه اسمی رابطه عدد حکمفرما می‌شود و نشانه جمع نیز ظاهر می‌گردد.

به علاوه، همراه با عدد پسوند اتصال صفت به هسته نیز کاربرد دارد:

pendōgar + -ān = pendōgarān

(۴۱-الف)

گداها گدا

har še(ēn) čippok-ān mort-en(t) (ب)

هر شش جوجه مردند مردند ها - جوجه شش هر

ā dow-ēn janek-ān (ج)

آن دو دختر آن - دختر دو آن

پایانه جمع نمی‌تواند پس از ضمیر شخصی متصل، حرف تعریف نامعین یا مضاف الیه

قرار گیرد:

7) restrictive relative clause

8) appositive relative clause

*janke-ē-ān	(الف-۴۲)
*jank-i-ān	(ب)
*jank-e hasan-ān	(ج)

۲.۲.۲ وابستهٔ پسین دو

در این جایگاه یکی از عناصر اسم، ضمیر شخصی متصل یا حرف تعریف نامعین قرار می‌گیرد. در جمله‌های زیر، اسم به عنوان وابستهٔ پسین به کار رفته است:

jāmag	hasan-i	پیراهن حسن	(الف-۴۳)
پیراهن	حسن		
dar	bāg-e	در باغ	(ب)
در	باغ		
dar-e	bāg	شرکت نفت	(ج)
dar-e	bāg		
šerkat-e	napt	شرکت نفت	(د)
شرکت	نفت		

درخور ذکر است که جابه‌جایی اسم به بعد از هستهٔ خود همراه با پسوند اتصالی صورت می‌گیرد. همان‌طور که مثالهای (۴۳-الف و ب) نشان می‌دهند، ساختهای (۴۳-ج و د)، که در آنها ترتیب مضاف و مضاف الیه همانند فارسی معیار است، تحت تأثیر زبان فارسی در گویش بلوچی به کار می‌روند.

ضمیر شخصی متصل نیز می‌تواند به انتهای اسم هسته متصل شود و با آن ترکیبی

اضافی بسازد:

gōk-om	mort	گاووم مرد	(الف-۴۴)
ام-گاو	مرد		
pād-i	prošt	پایش شکست	(ب)
اش-پا	شکست		

حرف تعریف نامعین نیز عنصر دیگری است که در جایگاه وابستهٔ پسین دو می‌آید. در گویش بلوچی، برخلاف فارسی معیار، حرف تعریف نامعین بعد از صفت وابستهٔ اسم به کار نمی‌رود:

sarr-ēn zerang-ēn janek-ē(i) (۲۵-الف)

بسیار زرنگ دختری دختری بسیار زرنگ

*sarr-ēn zerang-ēn-ē(i) janek (ب)

روشن است که حرف تعریف نامعین با دو عنصر اسم و ضمیر شخصی متصل که معرفه ساز هستند در توزیع تکمیلی است. ضمیر شخصی متصل و عنصر اسم نیز همزمان با هم به منزله وابسته هسته نمی آیند:

*pād-i-i (۴۷-الف)

ی-آش-پا

*pād hasan-i-i (ب)

پا ی-انصالی-حسن پسوند

*pād-i hasan-i (ج)

آش-پا انصالی-حسن پسوند

جابه جایی این عناصر از جایگاه معمولشان باعث بروز زنجیره های بدساخت می شود:

kolāh hasan-i nuk-in ke ta dert-e (۴۸-الف)

کلاه نو حسن که تو پاره کردی پاره کردی تو که نو حسن که تو پاره کردی

*kolāh nuk-in hasan-i ke ta dert-e (ب)

*kolāh nuk-in ke ta dert-e hasan-i (ج)

۳.۲.۲ وابسته پسین سه

صفت از وابسته پسین سه در گویش بلوچی است. چنان که پیش تر گفته شد، کاربرد صفت در این جایگاه در بلوچی به ندرت دیده می شود:

kolāh nuk-in, ges tuh-in, jāmag zard-in (۴۹)

کلاه نو خانه بزرگ لباس زرد

بند موصولی محدودکننده نیز از وابسته های پسین سه است. غلامعلی زاده (۱۳۷۴: ۱۵۸) این گونه وابسته ها را «جمله واره موصولی محدودکننده» می نامد^۹ و می گوید: «حضور جمله واره محدودکننده در جمله، به منظور مشخص کردن حدود مفهوم و گستره حوزه معنایی اسم مورد توصیف خود، لازم است.» این نوع بندها اغلب همراه اسمهای نکره

۹) صادقی و ارژنگ (۱۳۶۵) این گونه وابسته ها را «جمله های ربطی توضیحی» نامیده اند. صفوی (۱۳۷۳) بند توصیفی را برای «بند موصولی محدودکننده» و بند توضیحی را برای نوع «غیرمحدودکننده» آن به کار می برد.

به کار برده می‌شوند و با محدود کردن گستره حوزه ارجاعی آنها، مخاطب را قادر می‌سازند که پدیده‌ای را که گروه اسمی به آن دلالت دارد شناسایی کند. اسم معمولاً همراه با پسوند *-i* می‌آید که معروف به «یای نکره» است. در بلوچی گرایش کمی به استفاده از «یای نکره» وجود دارد و بیشتر به جای آن از صفت اشاره استفاده می‌شود:

hamā gōk ke kāh-ān-on dā (۵۰- الف)
همان گاو که علف داد ^{صبر متصل} ^{ماعتن - ها - علف} علفها را به او داد

ketāb hasan-i zand-in ke man dert-on (ب)

کتاب حجیم حسن که من پاره کردم پاره کردم من که حجیم حسن کتاب

ā bāg ke ta gept-et (ج)

آن باغ که تو خریدی خریدی تو که باغ آن

جابه‌جایی هریک از وابسته‌های پسین دو با دیگر وابسته‌های پسین اسم زنجیره‌های بدساخت تولید می‌کند (- جمله‌های شماره ۴۸).

۴.۲.۲ وابسته پسین چهار

در گویش بلوچی، بدل، بند موصولی غیر محدودکننده و گروه حرف‌اضافه‌ای در آخرین جایگاه وابسته‌های پسین قرار می‌گیرند. در این گویش اسم یا گروه اسمی، صفت و گروه حرف‌اضافه‌ای می‌توانند به عنوان بدل در گروه اسمی به کار روند.

man-ā dohtag hātun (۵۱- الف)

من دختر من، خاتون خاتون دختر

hātun man-ā dohtag (ب) خاتون، دختر من

ā pirazal bazzag (ج) آن پیرزن، بیچاره

آن پیرزن بیچاره

molayī isop ša me šahr-e ālmeān (د)

مولوی یوسف، از علمای شهر ما از یوسف مولوی

بندهای موصولی غیر محدودکننده نیز از وابسته‌های پسین چهار در گروه اسمی گویش بلوچی به شمار می‌آید. بند موصولی غیر محدودکننده تنها توضیحی اضافی پیرامون هسته می‌دهد. هسته در چنین وضعیتی غالباً معرفه و برای مخاطب قابل شناسایی است.

این نوع بند موصولی را می‌توان حذف کرد:

ahmad ke pār edān yaht (۵۲- الف)

احمد، که پارسال اینجا آمد آمد اینجا پارسال که احمد

layi ke ba pet-i nān-a pač-e (ب)

لیلی، که برای پدرش نان می‌پزد نان پدرش برای که لیلی

mini dusti go zahg-ān (۵۳- الف)

ها- بچه من به بچه‌ها علاقه من

mardi gōn ya pādā (ب)

مردی با یک پا مردی با یک پا

ketābi go zand-in jaldā (ج)

کتابی با جلد کلفت جلد کلفت با کتاب

جابه‌جایی هریک از وابسته‌های پسین چهار با دیگر وابسته‌های پسین، زنجیرهٔ بدساخت تولید می‌کند یا باعث تغییر معنا می‌شود:

mini brās tuh-in behruz (۵۴- الف)

برادر بزرگ من، بهروز برادر بزرگ من

mini brās behruz tuh-in (ب)

برادر من، بهروز بزرگ

ketāb hasani go zand-in jaldā (۵۵- الف)

کتاب حسن با جلد کلفت جلد کلفت با حسن کتاب

*ketāb go zand-in jaldā hasani (ب)

janek-e hasan ke māt-om dōst (۵۵- الف)

دختر حسن که مادرم پسندید مادرم پسندید دختر حسن

*janek ke māt-om dōst hasan (ب)

۳ تحلیل نظری و نتیجه‌گیری

به باور جوزف گرینبرگ^{۱۰} (۱۹۶۳) جایگاه معمول فعل نسبت به مفعول در یک زبان با

جایگاه عناصر در روابط نحوی دیگر، مانند ساختهای تفضیلی، همبستگی دارد. به علاوه، اگر به طور بی‌نشان، فعل پیش از مفعول واقع شود، ساخت موصولی، صفت و اضافهٔ ملکی به دنبال اسمی که توصیف می‌کنند خواهند آمد. همچنین، در زبانهایی که فعل پیش از مفعول می‌آید (VO)، گرایش به استفاده از حرف اضافهٔ پیشین بیشتر است. از طرف دیگر، اگر مفعول پیش از فعل واقع شود (OV)، ترتیب بالا برعکس خواهد شد. گرینبرگ در ضمیمهٔ مقاله‌اش ۲۴ نوع زبان را برمی‌شمارد که وقوع آنها از نظر منطقی «ممکن» است. او بر اساس چهار پارامتر Pr/Po، VSO/SVO/SOV، NA/AN و NG/GN، چهار نوع جهانی‌های مطلق^{۱۱} رده‌شناسی ترتیب کلمه را به دست می‌دهد. بر اساس یافته‌های گرینبرگ، کامری^{۱۲} (۱۹۸۹: ۹۵) دو نوع گرایش جهانی^{۱۳} اصلی را در زبانهای جهان ذکر می‌کند:

VO, Pr, NG, NA

(الف - ۵۷)

OV, Po, GN, AN

(ب)

Pr حرفت اضافهٔ پیشین، Po حرف اضافهٔ پسین، G مضاف الیه، N اسم و A صفت را می‌نمایاند.

ترتیب کلمه در گروه اسمی یکی دیگر از پارامترهای اصلی در تحلیل‌های رده‌شناختی است و می‌تواند به چهار صورت باشد:

الف) ترتیب نسبی صفت و اسم هسته که می‌تواند به دو صورت NA و AN باشد. یعنی صفت در برخی از زبانها قبل از اسم قرار می‌گیرد و در برخی از زبانها پس از آن.

ب) ترتیب بند موصولی (Rel) و اسم هسته که می‌تواند به دو صورت NRel و RelN باشد.

ج) ترتیب مضاف الیه و اسم هسته که می‌تواند به دو صورت NG و GN باشد.

د) ترتیب حرف اضافه با اسم هسته که می‌تواند به دو صورت NPo و PrN باشد.

اکنون با توجه به توصیف انجام‌شده از گروه اسمی گویش بلوچی، وضعیت گروه اسمی آن را در هرکدام از ترتیبهای چهارگانه بررسی می‌کنیم و به مقایسهٔ آن با فارسی معیار می‌پردازیم. از رهگذر این تجزیه و تحلیل جایگاه گویش بلوچی و فارسی معیار در رده‌شناسی زبانی مشخص می‌شود. پیش از این لازم است بدانیم که گویش بلوچی و زبان

فارسی را جزو زبانهای هسته پایانی یا OV قرار داده‌اند.

تحقیقات رده‌شناختی نشان داده است که زبانهای قدیم‌تر هندواروپایی از نوع هسته پایانی بوده‌اند، اما در جریان تحولات زبانی بسیاری از ساختهای نحوی آنها دستخوش تغییر شده است و به زبانهای هسته‌آغازین یا VO شباهت یافته‌اند. بسیاری از زبانها نیز در مراحل میانی قرار دارند، به گونه‌ای که نمونه‌هایی از هر دو نوع ساخت هسته‌آغازین و هسته پایانی در آنها یافت می‌شود. زبان فارسی و گویش بلوچی نیز از این امر مستثنا نیستند. اما گویش بلوچی نسبت به فارسی معیار دچار تحولات کمتری گشته است، به طوری که خصوصیات زبانهای هسته پایانی را به نحو بارزتری در خود حفظ کرده است. توضیح و تحلیل این روابط چهارگانه در گویش بلوچی مؤید این مطلب است. ترتیب AN در گویش بلوچی بسیار پایدار است: به جز موارد اندکی در بلوچی سرحدی، نمونه‌هایی از ترتیب NA دیده نشد. ممکن است این موارد اندک جرقة تحول از ساخت AN به NA، همچون فارسی معیار، باشد.

اگرچه صفات و بندهای موصولی از نظر مفهومی شبیه هم هستند، در بیشتر زبانها در ترتیب کلمه با هم متفاوت اند (کامری ۱۹۸۹: ۹۰). اما استثنائاً در فارسی معیار ساخت NA با ساخت NRel همسوست، یعنی این‌که در هر دو ساخت صفت و بند موصولی پس از اسم هسته واقع می‌شوند. اما در گویش بلوچی ساخت AN و ساخت NRel همسویی ندارند؛ زیرا با وجودی که صفت پیش از اسم می‌آید، بند موصولی همانند فارسی معیار است و بعد از اسم هسته می‌آید. *دانشگاه علوم انسانی* به نظر می‌رسد ترتیب GN در گویش بلوچی نسبت به ترتیب AN ثبات کمتری دارد. اگرچه در بیشتر مناطق بلوچی زبان ایران ساخت GN حاکم است، یعنی، برخلاف فارسی، مضاف الیه پیش از اسم هسته واقع می‌شود، در مناطقی از مکران، همچون سراوان و ایرانشهر، به تبع فارسی معیار ساخت NG پایدار است و از کسره اضافه نیز برای برقراری این رابطه استفاده می‌شود.

در بلوچی سرحدی، همانند فارسی معیار، ساخت NG، البته با بسامد کم، دیده می‌شود. اما جالب توجه است که از کسره اضافه در اینجا بسیار کم استفاده می‌شود و مضاف الیه با پسوند اتصالی به جایگاه پس از اسم هسته می‌آید.

بنابراین، در مورد ترتیب مضاف الیه و اسم هسته چنین می‌توان گفت که گویش

بلوچی قدمهای اولیه را برای تحول به ساخت NG برداشته است تا هرچه بیشتر به ساخت نحوی فارسی معیار نزدیک شود. در مورد ترتیب آخر، یعنی حرف اضافه با اسم هسته، به طور کلی می‌توان گفت که حرف اضافه در گویش بلوچی، برخلاف فارسی معیار، از نوع پسین است. الفنباین (۱۹۸۹: ۶۳۹) معتقد است که در بلوچی حروف اضافه پیشین معمول نیستند و اغلب مانند پشتو همراه با حروف اضافه پسین می‌آیند. او همچنین می‌افزاید که متمم حرف اضافه پسین باید اسم در حالت اضافه ملکی باشد. از جمله شواهد الفنباین عبارت‌اند از:

kitāb mēzē sarā int	کتاب روی میز است	۵۸- الف)
dračk gisay dēmā int	درخت روبه‌روی خانه است	ب)

از سوی دیگر، بارکر و منگل (۱۹۶۹: ۲۳) به وجود حرف اضافه پسین در کنار حرف اضافه پیشین در گویش بلوچی اشاره کرده‌اند. از جمله شواهد آنها عبارت‌اند از:

kitāb mezay sarā int	کتاب روی میز است	۵۹- الف)
jāmag swndukay tahā int	پیراهن در صندوق است	ب)

بر اساس داده‌های گردآوری‌شده نگارنده، در نیک‌شهر به نسبت منطقه سرحد نمونه‌های فراوان‌تری از وجود حرف اضافه پسین ملاحظه شد. اما در ایرانشهر و سراوان هیچ اثری از حرف اضافه پسین یافت نشد.

به طور کلی، گویش بلوچی در این ترتیب هم با گرایشهای جهانی همسوست. اگرچه آثار تحول از حرف اضافه پسین به پیشین در آن به خوبی نمایان است.

در زیر معادل عبارت «از جلوی بیمارستان» در چهار منطقه داده می‌شود:

ay bimarestan dēmā	نیک‌شهر	۶۰- الف)
ša bimarestan dimā	سرحد	ب)
ay dēm bimarestan	ایرانشهر	ج)
ez dim bimarestan	سراوان	د)

نکته قابل توجه در اینجا رابطه بین گروه حرف اضافه‌ای با اسم هسته است که برخلاف فارسی معیار در گویش بلوچی سرحدی گروه حرف اضافه‌ای می‌تواند به عنوان وابسته پیشین واقع شود. با توجه به داده‌های توصیف‌شده در بخش ۵.۱.۲ وجود این مشخصه تأیید دیگری است بر هسته‌پایانی بودن این گویش.

منابع

- باطنی، محمدرضا (۱۳۴۸)، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر؛
حسینیان، حسین (۱۳۶۸)، «گروه اسمی زبان فارسی بر مبنای نظریهٔ ایکس تیره»، مجلهٔ زبان‌شناسی، سال ۶،
شمارهٔ ۱، ص ۲۹-۴۱؛
صادقی، علی‌اشرف و غلامرضا ارژنگ (۱۳۶۵)، دستور سال چهارم آموزش متوسطهٔ عمومی (فرهنگ و ادب)،
تهران، وزارت آموزش و پرورش؛
صفوی، کوروش (۱۳۷۳)، «برخی از ویژگیهای بندهای موصولی فارسی»، مجموعه مقالات دومین کنفرانس
زبان‌شناسی نظری و کاربردی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی؛
غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۷۴)، ساخت زبان فارسی، تهران، احیاء کتاب؛

- BARKER, M.A. and A.K. MENQAL (1969), *A Course in Baluchi*, 2 vols., Montreal;
COMRIE, B. (1989), *Language Universals and Linguistic Typology*, 2nd ed., Basil Blackwell Ltd.;
ELFENBEIN, J. (1989), "Baluchistan", in *Encyclopaedia Iranica*, vol. III, Routledge & Kegan Paul,
pp. 598-644;
GREENBERG, J.H. (1963), "Some Universals of Grammar with Particular Reference to the Order of
Meaningful Elements", in J.H. GREENBERG, *Universals of Language*, Cambridge, MIT Press, pp.
73-113;
JAHANI, C. (1989), *Standardization and Orthography in the Baluchi Language*, Uppsala, Almqvist &
Wiksell International;
LEHMANN, W.P. (1992), *Historical Linguistics*, 3rd ed., London, Routledge.

□